

# تعلیم و تربیت

## با دوستی و محبت تحقق می‌یابد

بتول سبزی سنجانی

می‌فرماید: محبوب‌ترین و نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت، خوش‌اخلاق‌ترین شماست؛ همان‌ها که با مردم انس و الفت پیدا می‌کنند و مردم آنان را دوست دارند. وقتی رابطه‌ی انس و الفت بین آدم‌ها برقرار شد، امکان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز فراهم می‌شود.

استاد شهید مرتضی مطهری بیان می‌کند که نیروی محبت از نظر اجتماعی، نیرویی عظیم و مؤثر است و بهترین اجتماع، جامعه‌ای است که با نیروی محبت اداره شود؛ محبت

مهم‌ترین و کانونی‌ترین کار رسالت، «آموزش و تربیت» است. پیامبر می‌آید تا رفتار و اعمال بشر را تغییر دهد و وجود انسان را به سمت خدا تنظیم کند. کار پیامبری برطرف کردن نقص و کاستی وجود بشر و تمامیت بخشیدن به کرامت‌های اخلاقی آدمی است. گستره‌ی اخلاق، همه‌ی وجود آدمی و همه‌ی اعمال او (باورها، انگیزه‌ها، نیات، حرکات و ارزش‌ها) را پوشش می‌دهد.

اساس پیامبری و تربیت پیامبر را رحمت خداوند تشکیل می‌دهد. اگر خداوند مهربانی نمی‌کرد و بر انسان مهر نمی‌ورزید، برای تربیت او پیامبری نمی‌فرستاد. امام علی(ع) می‌گوید: از پیامبر اکرم(ص) درباره‌ی روش زندگی و سنت او پرسش کردم. او فرمود: «محبت بنیاد و اساس روش زندگی و سنت عملی من است.» رسول خدا(ص) مهربان‌ترین فرد نسبت به مردم بود. قلبی رقیق داشت و با همه‌ی مسلمانان مهربان بود. این امر نشان می‌دهد که مینا و اساس تعلیم و تربیت پیامبر(ص) را محبت و مهرورزی تشکیل می‌داد.

مهرورزی به منزله‌ی فرایند عمومی تعلیم و تربیت، زمینه‌ی بینا شدن چشم‌ها و شنوا شدن گوش‌ها را فراهم می‌آورد، حجاب از روی قوه‌ی فهم انسان برمی‌دارد، و عقل‌ورزی و تفکر را میسر می‌سازد. وقتی انسان به دیگران محبت می‌کند و مهر می‌ورزد، آنان را به دور خود گرد می‌آورد و موجبات الفت و دوستی را فراهم می‌سازد. در واقع زمینه و شرایطی را ایجاد می‌کند تا ما به دیگران الفت و انس پیدا کنیم و دیگران نسبت به ما مودت و دوستی داشته باشند. پیامبر(ص)



۳۳

دوره‌ی سوم / شماره‌ی چهارم / تابستان ۱۳۸۷



رهبر و زمام‌دار به مردم، و محبت و ارادت مردم به رهبر خود. تعلیم و تربیت بر دو پایه استوار است: یکی تفکر که علم را به وجود می‌آورد و معرفت هستی را پایه می‌گذارد، و دیگری محبت و شفقت که زیرساخت رحمت الهی است.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: آدم‌ها با گرایش قلبی به سمت کسانی کشیده می‌شوند که دوستشان دارند و از آنانی که بیزارند، می‌گریزند. دل‌ها جذب کسانی می‌شوند که به آنان نیکی می‌کنند و کسانی را که دشمن می‌کنند، بد می‌شمارند. قلب محل عاطفه‌ی انسان است و به محبت و عشق پاسخ می‌دهد. به سرزمین بکر و دست‌نخورده‌ای می‌ماند که اگر تخم محبت در آن کاشته شود، گل می‌رویانند و اگر تخم خار بکاریم، در آن خارزار پدید می‌آید. امام علی(ع) می‌فرماید: «دل آدمی وحشی است. کسی که به آن محبت کند، رامش می‌سازد.»  
وقتی این گونه به فرایند تعلیم و تربیت بنگریم و براساس محبت با افراد برخورد کنیم، افراد تحت تعلیم و تربیت ما، پیش از آن‌که به لحاظ عقلی قانع شوند، به لحاظ عاطفی علاقه‌مند شده‌اند. این علاقه‌مندی موجب نوعی همانندسازی و هم‌شکلی می‌شود.  
همان‌طور که پیامبر(ص) می‌فرماید: انسان همراه و شبیه

کسی است که دوستش دارد، به این طریق معلم و شاگرد به هم پیوسته و همراه می‌شوند و چیزی آنان را از هم جدا نمی‌کند. محبت هم عاطفه‌ی دینی به وجود می‌آورد، فرد را در راه دین به پیش می‌برد و از او عامل به امر دین می‌سازد، و هم فکر و ذکر او را سامان می‌دهد، معرفت دینی را تسهیل می‌کند و از فرد عالم دین می‌سازد.

کار مربی در تربیت نشان دادن راه است. ساختمان خلقت آدمی به گونه‌ای است که کسی فراتر از اراده و خواست وی بر او مسلط نیست و بر وی سیطره ندارد. خدا در ساختمان خلقت آدمی چنین مشیت قرار داده است که نه به خاطر دوستی و نه با اکراه، نمی‌توان او را به راه آورد و هدایت کرد.

در فرایند تعلیم و تربیت، محبت کارهای سخت را آسان می‌کند و کسی که رفق و مدارا را برمی‌گزیند، شداید بر او آسان و نرم می‌شود. کسی که راه ملایمت را پیش گیرد، هر کار سختی بر او آسان می‌شود. محبت انسان را نرم می‌کند و به نوبه‌ی خود موجب جلب محبت بیش‌تر می‌شود. کسی که اخلاقتش نیکو شود، دوستانش بسیار می‌شوند و مردم با او انس می‌گیرند. در این شرایط، افراد دور مربی خویش حلقه می‌زنند، گوش جان به سخنان او می‌سپارند، به راهش دل



پژوهش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله علمی علوم انسانی

می‌بندند، به روش زندگی او ایمان می‌آورند، به آن چه می‌گویند می‌اندیشند، به معرفت دست می‌یابند، به آن‌ها عمل می‌کنند و به این ترتیب، تربیت می‌شوند.

زبان ابزار ارتباط و مفاهیمی انسانی است. پیامبر در نظام تربیتی خود، بسیار به امر زبان و گفتار اهمیت داده‌اند. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: اگر کسی را دوست دارید، به زبان بیاورید. گفتن و بیان کردن محبت، عمق و گستره‌ی محبت و مهرورزی را دو چندان می‌کند. در حدیثی از عایشه آمده است که سیره‌ی پیامبر «قرآن» بود. قرآن، مردم را به خوب سخن گفتن و سخن خوب گفتن فرامی‌خواند. پیامبر می‌گفت، کسی که مردم از دست زبانش در امان نباشند، مسلمان نیست. و می‌فرمود که بهترین مردم، خوش‌گفتارترین و نرم‌خوترین آنان است.

زبان، هم ابزار ارتباط انسانی معرفی شده است، هم ابزار و شاخص شناسایی انسان، و هم قلمرویی مهم در تربیت. پیامبر اکرم(ص) به نیکویی از زبان و گفتار در راه تعلیم و در مسیر تربیت بهره گرفته‌اند و خود نمونه و معرف خوبی در این عرصه‌ها هستند. ایشان به زبان قوم خویش سخن می‌گفتند، به اندازه‌ی فهم و عقل آدمیان با آنان گفت‌وگو می‌کردند و در این راه، از زبان صریح و استعاری به خوبی بهره می‌گرفتند. تأکید بر زبان در این راستا، چشم‌انداز تازه‌ای را برای به جریان کشیدن تربیت می‌گشاید.

آموزش به طور عام و درک و فهم دینی به طور خاص، پدیده‌ای زبانی است. به این معنا، زبان ابزار درک و بیان و یک رسانه‌ی آموزشی (گفتاری و نوشتاری) است. زبان رایج‌ترین وسیله‌ای است که مردم از طریق آن فکر می‌کنند و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌سازند. زبان راهی برای بیان بصیرت‌ها و اندیشه‌های دینی است.

آموزش در معنای عام آن و در شکل خاص دینی آن، جریانی است که گستره‌ی زندگی را از کودکی تا میان‌سالی و پیری در بر می‌گیرد. زبان به منزله‌ی ابزار درک و دریافت، و وسیله‌ی ارتباطی، مهم‌ترین وسیله‌ی آموزش محسوب می‌شود. زبان شفاهی جایگاه بی‌نظیری در آموزش دارد. زیرا سخن و سخن‌گو در کنار هم نیت و مقصود خود را به مخاطب ارائه می‌کنند. ولی در زبان نوشتار که سخن‌گو همراه سخن نیست، سخن بار دوگانه‌ی خویش و سخن‌گو را به دوش می‌کشد. از این‌رو، نوشتن نوشته‌ای که راضی‌کننده و سرگرم‌کننده باشد، ارزش‌های زندگی را بیاموزد، احساسات درونی کودکان را تقویت کند، و به آنان یاری دهد تا رشد و تکامل یابند، کار

دوچندان دشواری است.

یکی از مباحث و موضوعات مهم در امر تربیت آن است که تربیت وابسته به زمان و مکان است. از این رو می‌توان در نظر داشت که تربیت در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه همواره با مسائل انسانی و مسائل اجتماعی درهم تنیده شده است. چالش‌ها و بلاها، هم لازمه‌ی به جریان افتادن تربیت محسوب می‌شوند و هم در تحلیل و بازپروری باید مورد توجه قرار گیرند. در خلأ و بدون تن دادن به بلا، نمی‌توان کسی را تربیت کرد. انسان در متن زندگی و در مواجهه با مسائل عمیق انسانی و اجتماعی است که رشد می‌کند. از سوی دیگر، بدون توجه به بحران‌ها و چالش‌های موجود تربیتی نمی‌توان طرحی عام برای تربیت ارائه کرد.

انسان از موجودیتی یکدست و یکپارچه برخوردار است که حیثیت‌های متنوعی دارد. حیثیت بدنی و حیثیت زبانی، دو جهت و حیث مهم انسانی محسوب می‌شوند. انسان براساس این دو حیثیت تعیین پیدا می‌کند و می‌تواند به حیات خویش ادامه دهد. تعلیم و تربیت به‌طور جدی به در نظر گرفتن این دو جنبه‌ی وجودی انسان وابسته است. نفوذ و تأثیرگذاری بر انسان نیز از همین راه میسر می‌شود. کلیدی که این قفل را می‌گشاید و راه تعلیم و تربیت را هموار می‌سازد، همانا محبت و مهرورزی است.

#### منابع

۱. قران کریم، ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند. انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران. ۱۳۷۸.
۲. نهج البلاغه، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۷۸.
۳. صحیفه سجادیه.
۴. اسکندری، حسین. تربیت پنهان. انتشارات تزکیه. تهران. ۱۳۸۳.
۵. جوادی آملی، عبدالله. ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد. دانشگاه الزهراء. تهران. ۱۳۶۶.
۶. انسان در اسلام. مرکز نشر فرهنگی رجاء. قم. ۱۳۷۲.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی. سیره‌ی نبوی(ص). انتشارات دریا. تهران. ۱۳۸۵.
۸. طباطبایی، محمدحسین. اصول فلسفه و روش رئالیسم. پاورقی‌ها از مرتضی مطهری. مؤسسه‌ی مطبوعات دارالعلم. قم. ۱۳۵۰.
۹. طباطبائی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. بیروت. ۱۳۹۱ق/۱۹۷۲م.
۱۰. کلینی رازی، یعقوب. کافی (اصول، فروع و روضه). انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۱. مطهری، مرتضی. فطرت. انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی ساختمان. تهران. ۱۳۶۱.
۱۲. مطهری، مرتضی. جاذبه و دافعه علی(ع). انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۶۹.